



شهرداری با موش‌ها برخورد فرهنگی کند!

«یک استاد دانشگاه و متخصص محیط زیست در مورد خطر موش‌های تهران گفت: اقدامات شهرداری کافی نیست، باید با اقدام فرهنگی مبنی بر آگاه‌سازی شهروندان به جنگ این حیوانات برویم. این کارشناس گفت: موش‌ها مارکوپولوی حیوانات هستند و در طی این چند سال وزن‌شان از ۶۰ گرم به ۵ کیلوگرم رسیده است!»

این خبر ما را یاد چند نکته باریک‌تر از موش انداخت. اول صفت جالبی که این کارشناس به این حیوان نجیب داده که نشان می‌دهد این حیوان چقدر اهل گشت و گذار است و خدا می‌داند هر کدام‌شان تا به حال از میدان راه‌آهن تا انتهای ولی‌عصر را چند دفعه قدم زنان گز کرده‌اند!

نکته دوم مربوط می‌شود به مؤسسات چاقی و لاغری تضمینی که ببینند این زبان‌بسته‌ها چه می‌خورند که اینقدر رشد می‌کنند؟! شاید دانستن این موضوع برایشان فایده‌ای داشته باشد.

نکته سوم این که، همه باید مواظب باشند که بعضی از رستوران‌ها! از این خبر مطلع نشوند و گرنه گذشتن از ۵ کیلو گوشت بی‌زبان تقریباً خالص مجانی، برای آدم‌های سودجو خیلی مشکل است!

و اما نکته آخر این که، آهای کسانی که به تأثیر کار فرهنگی ایمان ندارید، ببینید که این کار فرهنگی چه‌ها که نمی‌کند. اگر قبول ندارید بایستید تا موش‌ها از شما کالباس آدم درست کنند! از ما گفتن و از شما هم...

رئیس سازمان بازرسی کل کشور:

نگران تکرار فساد بانکی در کشور هستیم

رویداد آشنا در بیانیه‌ای بسیار رسمی، روشن، شجاعانه، بدون هیچ‌گونه معاشات، تساهل و تسامح، بدون یک قدم عقب‌نشینی از مواضع مان اعلام می‌دارد: «ما هم نگران هستیم و از نگرانی ایشان و نگرانی هر کس و در هر کجای این سرزمین که نگران هر گونه تکرار فساد در کشور است حمایت می‌کنیم.»

هی! حال‌مان جا آمد، چند وقتی می‌شد که چنین حسّی را تجربه نکرده بودیم.



رئیس جمهور داغستان، سمند را پسندید

ما هم بودیم می‌پسندیدیم! می‌پرسید چرا؟ به چند علت. اول این که ما هم مثل رئیس جمهور داغستان از کالای زیر قیمت خوش‌مان می‌آید!

خدا و کیلی آقای رئیس جمهور با چه قیمتی سمند را پسندیده است؟ دو برابر توپوتا؟! یک و نیم برابر بی‌امو؟! یا برابر با قیمت بنز؟ معلوم است که این‌طور نیست... مگر آن‌جا ایران است که پول یک توپوتا کم‌ری را بدهند پژو پارس یا سمند بخرند؟! آن هم سمدی که مثلاً فقط قفل کمربند ایمنی‌اش جزء گارانتی است!

بگذریم...

علت دوم مربوط به کیفیت سمند صادراتی است که تومانی چند صد دلار با تولید برای داخل توفیر دارد.

اگر باور ندارید می‌توانید از کسانی بپرسید که همین یکی دو سال پیش سمند خریده‌اند و بعد هم بروید از آقای رئیس جمهور داغستان بپرسید، البته اگر زبان داغستانی بلد هستید!

شیوه جدید اختلاس لورفت

رئیس و چند نفر از کارکنان یکی از شعب بانکی در غرب کشور، مدارک مشتریان معتبر را برای دریافت وام‌های سنگین، مورد سوءاستفاده قرار می‌دادند. بابا دست‌مریزاد... به قول شاعر «نو به نو، تازه به تازه» یکی نیست به بعضی از این بانکی‌ها بگوید: «بابا تو دیگه کی هستی، دست شیطان رو بستی»، آخر چقدر خلاقیت، چقدر نوآوری؟!

خدا و کیلی اگر از این افراد خلاق! در صنعت و فن‌آوری، استفاده می‌شد، الان ما داشتیم بقیه مسکن مهر را روی کره مزیخ می‌ساختیم. البته حالا هم دیر نشده، تا این‌ها خلاقیت تازه‌ای از خودشان بروز نداده‌اند، بیایید یک جایی دست‌شان را بند کنید، و گرنه دوباره دست همه‌مان را بند می‌کنند!



موسی حسینی راوندی

بگو جان مادرت می کشی کنار؟

پس گرفتن استیضاح با «پذیرش قول شرف»

در حالی که نمایندگان مجلس داشتند خودشان را آماده استیضاح وزیر کار می کردند، خبر رسید مرتضوی، «قول شرف داده» از مدیریت صندوق تأمین اجتماعی استعفاء می دهد!

نمایندگان مجلس هم با «پذیرش قول شرف»، امضاء خود را پس گرفتند و به این ترتیب استیضاح وزیر کار منتفی شد! ما حالا کاری نداریم که در نهایت چه پیش می آید؛ اما این اتفاق هر چه نداشت این را داشت که «قول شرف» و «پذیرش قول شرف» را وارد ادبیات سیاسی کشور ما کرد.

اگر همین طور پیش برود، یک روز شاهد چنین مکالماتی در جلسه استیضاح خواهیم بود:

– بگو جان مادرت می کشی کنار؟ جان مادرت گفتمها!

– آقا! بنده تذکر دارم!

– بفرمایید! آقای فلانی! تذکرتان را بفرمایید!

– طبق روال، تنها قسم مورد پذیرش از فرد استیضاح شونده در این مورد به خصوص، این است که «به ارواح خاک پدرش» قسم بخورد! چرا جان مادرش را قسم می دهید؟

– باشد! بنده به ارواح خاک پدرم قسم می خورم که می کشم کنار! یعنی در این حد! دیگر چه کار باید بکنم که حرف من را بپذیرید؟

وجدانا بالاتر از این؟ [متأثر می شود]

– آقا! بنده تذکر دارم!

– باز چی شده؟ ارواح خاک پدرش را قسم خورد دیگر!

– ایشان نمی تواند به ارواح خاک پدرش قسم بخورد. پدر ایشان متأسفانه هنوز در قید حیات است و اتفاقاً در این جلسه هم در قسمت مهمانان حضور دارد. همین الان هم که ایشان قسم خورد، پدرش بلند شد و برای ما دست تکان داد و دستش را کشید روی صورتش که یعنی ریش گرو می گذارد!

– ای بابا! خب اگر از اول ریش گرو می گذاشتند که استیضاح موضوعیت نداشت! طبق روال گذشته، «گرو گذاشتن ریش پدر» یا «گرو گذاشتن سبیل سه عضو حقیقی هیأت مدیره» باید مورد پذیرش استیضاح کنندگان قرار بگیرد. استیضاح منتفی است آقا!

– چی چی منتفی است؟ مرده که نمی تواند ریش گرو بگذارد! آقا! بگو «به جان هیأت رئیسه»!

– [اعتراض اعضای هیأت رئیسه]: جان خودت آقا! چرا جان ما را قسم می دهی؟! روال را به هم می زنی چرا؟!]

[همهمه نمایندگان، صدای تذکر، قسم و اعتراض]



تجاوز به خاک امارات در روز روشن!

وزیر امور خارجه امارات در اظهاراتی گستاخانه، عجیب و بیرون از عرف دیپلماتیک، سفر رئیس جمهور ایران به جزیره ابوموسی را محکوم کرده و آن را تجاوز به حقوق سرزمینش خواند!!!

در پی این اتفاق عجیب، پیش بینی ما از اوضاع آینده جهان این گونه است:

* دولت هند به دلیل عبور وزیر راه و ترابری کشورمان از خیابان گاندی تهران، سفیر ایران را در دهلی نو، احضار خواهد کرد!

* اتحادیه آفریقا، ایران را به خاطر تصاحب خیابان آفریقا در تهران، تحریم خواهد نمود!

* رژیم صهیونیستی اعلام کرد: «به زودی شهر مسجد سلیمان را که متعلق به این رژیم است، بازپس خواهد گرفت.»

* دولت کویت اعلام کرد؛ ایرانیان برای خرید از پاساژهایی که با نام «پاساژ کویتی ها» معروفند، باید از دولت این کشور ویزا دریافت کنند!

* وزارت اقتصاد روسیه بازارهایی که با نام «بازار روس ها» در شهرهای شمالی و شرقی ایران معروفند را به بالاترین قیمت پیشنهادی اجاره خواهد داد!



موشک شما را خریداریم



کمپانی اسلحه سازی «لاکهید مارتین» آمریکا: همه اعراب خلیج فارس سفارش موشک «تاد» داده اند.

فقط عرض تبریک داریم به رسانه های غربی، عربی، سردمداران کشورهای بحران زده غربی و شرکت شریف! لاکهید مارتین.

آقا! نقشه های تان خوب گرفت؛ ایران هراسی کار خودش را کرد. همسایگان عرب ما هم که شجاع! جیب شان هم که پر نفت! فقط ای کاش کارخانه ای بود که غیرت تولید می کرد!